

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی
پژوهشکده زبان‌شناسی

پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی گرایش همگانی

عنوان پایان‌نامه:

بررسی، توصیف و تحلیل زبان فرمول‌واره‌ای در فارسی

(عبارت‌های نیمه پیش‌ساخته)

استاد راهنما:

دکتر فریبا قطره

استاد مشاور:

دکتر آرزیتا افراشی

پژوهشگر:

مجتبی کاوه

تابستان ۱۳۹۰



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی
پژوهشکده زبان‌شناسی

هیات داوران در تاریخ.....

پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی گرایش همگانی آقای مجتبی کاوه

تحت عنوان:

بررسی، توصیف و تحلیل زبان فرمول‌واره‌ای در فارسی

(عبارت‌های نیمه پیش‌ساخته)

را بررسی کردند و و پایان‌نامه با درجه‌ی به تصویب نهایی رسید.

- | | |
|------|---|
| امضا | ۱- استاد راهنمای پایان‌نامه جناب خانم دکتر فریبا قطره با مرتبه‌ی علمی |
| امضا | ۲- استاد مشاور پایان‌نامه سرکار خانم آزیتا افراشی با مرتبه‌ی علمی |
| امضا | ۳- استاد داور داخل گروه دکتر |
| امضا | ۴- استاد داور داخل گروه دکتر |
| امضا | ۵- استاد داور خارج از گروه دکتر |
| امضا | ۶- استاد داور خارج از گروه دکتر |

امضای مدیر گروه

تقدیم به:

روان پاک استاد عزیز و یار سفر کرده‌مان

دکتر علی محمد حق شناس

قلب اندوده‌ی حافظ بر او خرج نشد

کاین معامل به همه عیب نهان بینا بود

تشر و قدردانی

به ثمر رسیدن پژوهش حاضر را مدیون زحمات بی دریغ استادان بزرگواری هستم که طی دوره‌ی کارشناسی ارشد از محضرایشان بهره‌ها گرفته‌ام. مراتب قدردانی خود را خدمت سرکار خانم دکتر فریبا قطره استاد راهنمایم و خانم دکتر آریتا افراشی استاد مشاورم که بنده را از توصیه‌های سودمند خویش بهره‌مند فرمودند، ابراز می‌دارم. همچنین صمیمانه‌ترین سپاسگزاری‌ها را از دوست عزیزم رضا جعفری طادی، دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی (دانشگاه شهید بهشتی) دارم که منابع مورد استفاده در این پژوهش را در اختیار بنده نهادند و از نقطه نظرات خود بهره‌مندم ساختند. برای همه‌ی این بزرگواران آرزوی بهروزی دارم.

چکیده

آنچه در این پژوهش ارائه شده است تحلیلی است در جهت بررسی زبان فرمول‌واره‌ای در زبان فارسی در قالب یک چارچوب توصیفی. از آنجا که این پژوهش تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد نخستین پژوهشی است که در زبان فارسی به موضوع فرمول‌واره می‌پردازد لذا بخشی از کار به معرفی زبان فرمول‌واره‌ای و تفاوت آن با زبان روزمره اختصاص یافته است. پژوهش حاضر در پنج فصل تنظیم شده است: فصل اول به معرفی زبان فرمول‌واره‌ای و تفاوت آن با زبان روزمره پرداخته و ضرورت بررسی چنین ساخت‌هایی بیان شده است در ادامه به معرفی نوع خاصی از فرمول‌واره‌ها به نام فرمول‌واره‌های زیای گفتار پرداخته شده که موضوع اصلی این پژوهش است. فصل دوم به مرور مطالعات سنتی و زبان‌شناختی اختصاص یافته است. در فصل سوم چارچوب نظری و روش‌شناسی پژوهش مورد بررسی قرار گرفت و انگاره‌ی تحلیل دو سطحی، به عنوان چارچوب نظری مورد اتخاذ در این پژوهش معرفی گردید. در فصل چهارم نگارنده مطابق با الگوی پیشنهادی مطرح شده در فصل سوم به توصیف و تحلیل داده‌ها پرداخت. در فصل پنجم به پژوهش‌های مطرح شده در فصل اول پاسخ داده شده و نتایج حاصل از این پژوهش ذکر شد. در این پژوهش مشخص شد که فرمول‌واره‌های فارسی برای بیان مفاهیم متفاوتی از قبیل انتقاد، سرزنش، قضاوت، برجسته‌سازی موضوعی خاص، تأکید صحت و سقم گزاره‌ای خاص و غیره به کار می‌روند. از دیگر یافته‌های این پژوهش این بود که فرمول‌واره‌های فارسی هم در معنای انباشتی و هم در معنای غیرانباشتی به کار می‌روند. همچنین آنها هم در گفتار رسمی و هم غیررسمی و هم در متون نوشتاری و هم گفتاری به کار می‌روند. فرمول‌واره‌های فارسی در قسمت عناصر متغیر خود عمدتاً از گروه‌های اسمی استفاده می‌کنند و درصد کمتری نیز از گروه‌های فعلی، صفت‌ها و جمله‌ها در قسمت عناصر متغیر خود بهره می‌برند. از جمله موارد استفاده از این پژوهش می‌توان به آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان و فرهنگ‌نگاری اشاره کرد.

واژه‌های کلیدی پژوهش: توالی فرمول‌واره‌ای، فرمول‌واره، بسط، تصریف، عرف اجتماعی، عبارات بدیع، خرده‌دستور، شأن فرمول‌واره‌ای، خرده‌گفتمان

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
تشکر و قدردانی	۵
چکیده	۶

فصل اول: کلیات

۱-۱- مقدمه	۲
۲-۱- بیان مسئله	۳
۳-۱- تعریف فرمول‌واره	۸
۴-۱- ضرورت انجام پژوهش حاضر	۱۰
۵-۱- هدف و انگیزه‌ی پژوهش	۱۳
۶-۱- پرسش‌های پژوهش	۱۳
۷-۱- فرضیه‌های پژوهش	۱۴
۸-۱- روش گردآوری داده‌ها و انجام پژوهش	۱۵
۹-۱- ساختار پژوهش	۱۵
۱۰-۱- محدودیت‌های پژوهش	۱۶

فصل دوم: پیشینه مطالعات

۱-۲- مقدمه	۱۸
۲-۲- مطالعات ایرانیان	۱۹
۱-۲-۲- انوری (۱۳۸۲)	۱۹
۲-۲-۲- ورتنیکوف (۱۹۹۵)	۲۰
۳-۲-۲- پناهی (۱۳۷۹)	۲۲
۴-۲-۲- نجفی (۱۳۷۸)	۲۳
۳-۲-۲- مطالعات غیرایرانیان	۲۴
۱-۳-۲- پاولی و سایدر (۱۹۸۳)	۲۴
۲-۳-۲- ون لنکر سیدتیس (۲۰۰۹)	۲۵
۳-۳-۲- لیندکوئیست (۲۰۰۹)	۲۸
۴-۳-۲- کوثرک و همکاران (۱۹۷۲)	۳۲

۳۳ ۴-۲- خلاصه

فصل سوم: روش‌شناسی و ملاحظات نظری

۳۵	۱-۳- مقدمه
۳۵	۲-۳- اصطلاح‌شناسی
۳۷	۳-۳- زبان از دیدگاه دستوریان در مقابل زبان از دیدگاه انسان‌گرایان
۳۷	۱-۳-۳- زبان از دیدگاه دستوریان
۴۱	۲-۳-۳- زبان از دیدگاه انسان‌گرایان
۵۳	۴-۳- ویژگی فرمول‌واره‌ای و توانایی ما در ابداع
۵۴	۵-۳- ابداع
۵۵	۶-۳- اهمیت نظری توالی‌های فرمول‌واره‌ای
۵۷	۷-۳- اتخاذ یک موضع نظری
۵۹	۸-۳- مقایسه‌ی پردازش عبارات فرمول‌واره‌ای و طرح‌واره‌ها؛ تعامل و هم‌گرایی دو وضعیت پردازشی
۶۱	۹-۳- تعریف مفاهیم و اصطلاحات پژوهش
۶۲	۱-۹-۳- توالی فرمول‌واره‌ای
۶۲	۲-۹-۳- طرح‌واره
۶۲	۳-۹-۳- عبارات بدیع
۶۴	۴-۹-۳- خرده‌دستور
۶۴	۵-۹-۳- تصریف طرح‌واره
۶۵	۶-۹-۳- بسط طرح‌واره
۶۵	۷-۹-۳- شأن فرمول‌واره‌ای
۶۶	۸-۹-۳- عرف اجتماعی
۶۶	۱۰-۳- خلاصه

فصل چهارم: تحلیل داده‌ها

۶۹	۱-۴- مقدمه
۷۲	۲-۴- بررسی و تحلیل فرمول‌واره‌های زبانی زبان فارسی
۷۲	۱-۲-۴- بیان انتقاد، سرزنش، توبیخ و یا عدم رضایت از چیزی
۸۴	۲-۲-۴- بیان نقطه‌نظر و قضاوت شخصی در مورد چیزی
۹۰	۳-۲-۴- بیان عدم اهمیت و بی‌تفاوتی نسبت به موضوعی
۹۴	۴-۲-۴- برجسته‌سازی

- ۴-۲-۵- تأکید بر صحت یا سقم گزاره‌ای خاص و همچنین امکان و یا عدم امکان موضوعی خاص ... ۱۰۸
۴-۳- خلاصه ۱۰۹

فصل پنجم: نتیجه‌گیری و پیشنهادها

- ۵-۱- مقدمه ۱۱۱
۵-۲- بررسی پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهش ۱۱۱
۵-۳- یافته‌های پژوهش ۱۱۳
۵-۳-۱- مقوله‌ی واژگانی قسمت‌های متغیر ۱۱۴
۵-۳-۲- نقش ارتباطی ۱۱۵
۵-۴- پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی ۱۱۵

فهرست منابع ۱۱۷
واژه‌نامه ۱۲۱
چکیده انگلیسی ۱۳۳

فصل اول:

کلیات

زبان به عنوان ابزار برقراری ارتباط امکانات مختلفی را در اختیار سخنگویان قرار می‌دهد: از عبارات کاملاً بدیع و خلاق گرفته تا عبارات کاملاً از پیش ساخته شده و آماده. نسبت بسیار قابل توجهی از زبان روزمره‌ی سخنگویان را فرمول‌واره‌ها^۱ تشکیل می‌دهند. صورت فرمول‌واره‌ها قابل پیش‌بینی است و برخی معنای اصطلاحی دارند و به نظر می‌رسد که به طور ثابت و یا توده‌های نیمه ثابت در ذهن ذخیره گشته‌اند. آنها معمولاً عباراتی در حد یک جمله و یا کوچکتر می‌باشند که بطور یکجا فرا گرفته می‌شوند، به طور یک‌جا به کار می‌روند و به طور یک‌جا پردازش می‌شوند فرمول‌واره‌ها حتی اگر دارای سطح زبانی کوچکتر از جمله نیز باشند باز هم همانند جمله یک اندیشه و پیام کامل را انتقال می‌دهند به همین دلیل برخی دستورهای سنتی این قبیل فرمول‌واره‌ها را جمله‌های بی‌فعل می‌نامیدند (نجفی، ۱۳۷۸). اجزاء فرمول‌واره‌ها معمولاً مضمون بازآفرینی‌های واژگانی و ساختاری نمی‌شوند. فرمول‌واره‌ها در واقع نشان دهنده‌ی اتفاق نظر گویشوران یک زبان بر سر استفاده از یک صورت ثابت برای بیان یک مفهوم اجتماعی- فرهنگی در یک موقعیت ارتباطی خاص می‌باشند. به عنوان مثال عباراتی از قبیل شکر میان کلامت، به پای هم پیر شین، مبارک صاحبش باشه، هر چی خاک اونه عمر شما باشه، گلاب به روت و غیره نمونه‌های اعلا‌ی فرمول‌واره‌ها می‌باشند. فرمول‌واره‌ها در مطالعات زبان‌شناختی نقطه‌ی مقابل ویژگی خلاقیت زبانی می‌باشند. اگرچه ویژگی خلاقیت از جمله توانایی‌های انکارناپذیر زبان بشر می‌باشد اما در بسیاری موارد شیوه‌ی ارجح برای بیان مفاهیم نمی‌باشد. مطالعه‌ی فرمول‌واره‌ها در حقیقت بررسی سازوکارهایی است که زبان برای رهایی از تکلف تولید و پردازش عبارات بدیع و خلق‌الساعه در خود تنیده است.

این پژوهش به معرفی زبان فرمول‌واره و بررسی و تحلیل آن در زبان فارسی می‌پردازد و نقش آن را در گفتار سخنگویان مورد بررسی قرار می‌دهد.

¹ formulas

۱-۲- بیان مسئله

زبان‌ها معمولاً برای گویشوران خود آزادی عمل قابل ملاحظه‌ای را در بیان مفاهیم تأمین می‌کنند. این آزادی عمل در دو سطح وجود دارد که هم شامل انتخاب عناصر و هم چینش این عناصر می‌شود. به‌عنوان مثال مجموعه مثال‌های (۱) را در نظر بگیرید:

(۱) الف- امیر مشق‌هایش را در منزل می‌نویسد.

ب- امیر تکالیفش را در منزل انجام می‌دهد.

ج- امیر مشق‌هایش را در خانه می‌نویسد.

د- برادرزاده‌ام مشق‌هایش را در خانه می‌نویسد.

تحت شرایط و بافت مناسب، تمامی جملات (۱) می‌توانند معنای کاملاً یکسانی را بیان کنند. اگر مشق‌ها همان تکالیف باشد در آن صورت دو جمله‌ی الف و ب یک معنا را منتقل می‌کنند و همچنین اگر خانه و منزل مترادف باشد آن‌گاه دو جمله‌ی ب و ج نیز هم‌معنا هستند و بالأخره اگر امیر در جهان خارج برادرزاده‌ی گوینده باشد می‌توان گفت که تمام جملات فوق هم‌معنا هستند.

مجموعه‌ی جملات (۱) نشان‌دهنده‌ی عناصر واژگانی می‌باشند که می‌توانند در بیان معنای یکسانی جایگزین یکدیگر شوند. همین موضوع در مورد چگونگی چیدمان عناصر جمله نیز صادق است:

(۲) الف- امیر مشق‌هایش را شب گذشته در منزل نوشت.

ب- شب گذشته، امیر مشق‌هایش را در منزل نوشت.

ج- امیر بود که مشق‌هایش را شب گذشته در منزل نوشت.

د- کسی که مشق‌هایش را شب گذشته در منزل نوشت امیر بود.

در این مثال جمله‌ی اول در حالت بی‌نشان، جمله‌ی دوم مبتداسازی شده، جمله‌ی سوم اسنادی و جمله‌ی چهارم شبه اسنادی می‌باشد که همگی معنای گزاره‌ای یکسانی را می‌رسانند.

آنچه مجموعه جملات (۲) نشان می‌دهند این است که (علاوه بر عناصر واژگانی که می‌توانند جایگزین یکدیگر شوند) ساخت‌های دستوری وجود دارند که می‌توانند در بیان معنایی واحد جایگزین یکدیگر شوند. انتخاب هر یک از این جملات وابسته به بافت می‌باشد، اما به لحاظ ارزش صدق، هر چهار جمله ارزش صدق یکسانی دارند.

آزادی عمل در انتخاب صورت‌های متعدد برای بیان مفهومی واحد، در تمامی سطوح زبانی به یک اندازه نیست. مثال‌های (۱) و (۲) نشان‌دهنده‌ی آزادی ما در ساختمان جمله است. از یک طرف دامنه‌ی انتخاب‌ها در سطح گفتمان بسیار بیشتر از سطوح دیگر است: به عنوان مثال رویکرد واحدی ممکن است توسط انتخاب‌ها و توالی‌های مختلفی از جمله‌ها بیان شود. از طرف دیگر هرچه به سمت عناصر زبانی کوچک‌تر از جمله و واژه پیش برویم، دامنه‌ی انتخاب‌ها و چینش‌های زبانی مجاز که می‌توانند جایگزین یکدیگر شوند کاهش می‌یابد. در ساختمان یک واژه، یک تکواژ در بسیاری موارد نمی‌تواند جایگزین تکواژ دیگری شود، حتی اگر معنایی مشابه و یکسان با آن داشته باشد. ترتیب تکواژها را نیز نمی‌توان تغییر داد. شماره‌ی (۳) و (۴) این دو موضوع را به ترتیب در واژه‌های مرکب و مشتق نشان می‌دهند:

(۳) الف - رصد خانه

ب- * رصد منزل

ج- * خانه رصد

(۴) الف- بی - وفایی

ب- * نا - وفایی

ج- * وفایی - بی

تا این جا این طور به نظر می رسد که در حالی که تشکیل واژه از زنجیره های آوایی و سپس از تکواژها، تنوع صورت محدود و یا غیر ممکن دارد، اما در شکل گیری جمله از واژه ها و شکل گیری گفتمان از جمله ها انتخاب های مجاز بسیاری وجود دارد.

سینکلر^۱ (۱۹۹۱: ۱۰۹) عبارت «اصل انتخاب آزاد»^۲ را برای بیان این موضوع به کار می برد که متن - جملات و گفتمان ها- می تواند از تعداد بسیاری انتخاب های پیچیده منتج شود. وی همچنین به این نکته اشاره می کند که انواع به خصوصی از متن ها آزادی انتخاب بسیار محدودتری را عرضه می دارند. وی اصل انتخاب آزاد را با «اصل اصطلاح»^۳ در تقابل قرار داد. اصل اصطلاح بیان می دارد که متن ها معمولاً شامل تعداد بسیار زیادی از عبارات های نیمه پیش ساخته می باشند که اگرچه ممکن است به ظاهر قابل تجزیه به اجزای خود باشند اما یک انتخاب واحد را تشکیل می دهند. به عنوان مثال نمونه های (۶) را در نظر بگیرید:

(۶) الف- او ریگ در کفش دارد.

ب- گاو زاییده.

ج- او بالاخونه اش رو اجاره داده.

¹ J. Sinclair

² the open choice principle

³ idiom principle

این اصطلاحات دقیقاً مانند مجموعه مثال‌های (۱) و (۲) مجاز به تغییرات و تنوعات واژگانی و ساختاری می‌باشند، تنها به شرطی که در معنای تحت‌اللفظی خود به کار روند. همان‌گونه که در شماره‌ی (۷) مشاهده می‌شود، گونه‌ی تغییر یافته‌ی این اصطلاحات معنای اصطلاحی و استعاری خود را از دست می‌دهند.

(۷) الف- او سنگریزه در کفشش رفته است.

ب- گاو تو وضع حمل کرده است.

ج- او طبقه‌ی بالای منزلش را اجاره داده است.

این مثال‌ها حاکی از آنند که واژه‌ها در جمله مادامی‌که آن جمله در معنای انباشتی^۱ خود به کار رود می‌توانند جایگزین مترادف‌های خود شوند و یا جابجا شوند، اما در خوانش اصطلاحی، این امکان به کلی از دست می‌رود.

اکنون جا دارد این سؤال را مطرح کنیم که آیا این موضوع صحیح است که انباشتگی^۲ شرط ضروری برای انتخاب واژه‌های جایگزین و یا چیدمان جدید می‌باشد. به مثال‌های (۸) توجه کنید:

(۸) الف- غم آخرتون باشه (خطاب به یک فرد عزادار)

ب- به پای هم پیرشین (خطاب به یک زوج جوان)

ج- شکر میون کلامت (در هنگام نوبت‌گیری در مکالمه)

د- خدا بد نده! (خطاب به فردی بیمار، مجروح و یا مصدوم)

^۱ compositional

^۲ compositionality

این جملات در زمره‌ی اصطلاحات نمی‌باشند: آن‌ها انباشتی هستند و همان‌طور که در شماره‌ی

(۹) نشان داده شده، می‌توانند به روش‌های دیگری نیز بیان شوند:

(۹) الف- امیدوارم دیگر غم از دست دادن عزیز دیگری را تجربه نکنید.

ب- امیدوارم آن‌قدر در کنار هم زندگی کنید تا هر دو پیر شوید.

ج- شکر در وسط سُخت.

د- پروردگار شر و بدی نرساند.

جملات جایگزین در (۹) همگی عباراتی صحیح و ممکن هستند اما احتمال وقوع آن‌ها در بافتی که برای هر جمله در (۸) بیان شده، بسیار ضعیف است. این معانی اگرچه می‌توانند متفاوت از آنچه که در (۸) آمده بیان شوند، اما واقعیت این است که این اتفاق معمولاً روی نمی‌دهد. در این موارد به نظر می‌رسد که سخنگوی زبان آزادی عمل گسترده‌ای را که زبان برای انتخاب عبارت جایگزین جهت بیان مفهومی واحد در اختیارش می‌نهد به کلی به کنار می‌گذارد و تنها یک صورت واحد را برمی‌گزیند. عبارت‌های (۸) از نمونه‌های اعلای **فرمول‌واره‌ها** هستند.

فرمول‌واره‌ها همچنین می‌توانند نشانه‌ای صحیح برای شناسایی یک بافت و یا به‌عنوان سرنخی برای بازیابی بخش‌های دیگری از مکالمه باشند. به عنوان مثال فرض کنید در گذر از مکانی شاهد گفتگوی دو تن هستیم و در کنار عبور از حین آن‌ها فقط و فقط یک جمله از گفتمان را می‌شنویم و آن این است که یکی از آن دو به دیگری می‌گوید:

مبارک صاحبش باشد! این عبارت فرمول‌واره‌ای به ما کمک می‌کند تا بافت را شناسایی و حتی بخشی از گفتمان را بازیابی کنیم.

با این وجود این نکته را نیز می‌بایست یادآوری کرد که محدودیت صورت و محدودیت توزیع فرمول‌واره‌ها به صورت پیوستار و نه مطلق می‌باشند (ر.ک. فصل ۳). فرمول‌واره‌ها قطعاً مقداری تنوع می‌پذیرند و با وجود این که در یک بافت به خصوص دارای کاربرد بسیار می‌باشد اما هرگز منحصرأً منسوب به یک موقعیت خاص نیستند. همان‌طور که ری^۱ (۲۰۰۲: ۲۵) بیان می‌دارد فرمول‌واره‌ها «انتخاب‌های ارجح»^۲ برای بیان معانی خاص می‌باشند.

لازم به توضیح است که فرمول‌واره‌ها پیوستاری را تشکیل می‌دهند که در یک سوی آن‌ها توالی‌های کاملاً از پیش‌ساخته و آماده هستند که هم عناصر واژگانی و هم ترتیب آن‌ها ثابت می‌باشند و در سوی دیگر توالی‌هایی قرار دارند که تنها برخی عناصر زبانی در آن‌ها ثابت و تکرارشونده‌اند و بقیه‌ی قسمت‌ها بنابر بافت و معنای مورد نظر توسط عناصر زبانی دیگر پُر می‌شوند (کورینگان^۳ و همکاران، ۲۰۰۹: ۱۵-۹).

۱-۳- تعریف فرمول‌واره

زبان‌شناسان و پژوهشگران بر سر تعریف فرمول‌واره و زبان فرمول‌واره‌ای اجماع چندانی ندارند. بسیاری از آن‌ها این پدیده را تنها از منظر مورد بررسی خود تعریف کرده‌اند. به عنوان مثال کسانی که در حوزه‌ی فراگیری زبان اول و یا دوم فعالیت می‌کنند تعریفشان از فرمول‌واره با تعریف کسانی که کاربرد فرمول‌واره‌ها در ترجمه را مورد بررسی قرار می‌دهند کاملاً یکسان نیست. شاید یکی از مقبول‌ترین و معروف‌ترین تعاریف از فرمول‌واره‌ها، تعریف ری (الف ۲۰۰۰: ۹) باشد که در زیر آمده

^۱ A. Wray

^۲ preferred choices

^۳ R. Corrigan et al.

است، وی در کتاب خود اصطلاح «توالی فرمول‌واره»^۱ را برای اشاره به این پدیده به کار می‌برد و آن را این‌گونه تعریف می‌کند:

«توالی‌ای پیوسته و یا گسسته از واژه‌ها و یا دیگر عناصر زبانی که آماده و از پیش ساخته شده هستند: یعنی به‌طور یک‌جا در حافظه ذخیره هستند و در هنگام استفاده به‌جای این‌که توسط دستور زبان تولید و تحلیل شوند به‌صورت یک واحد کل از حافظه بیرون کشیده می‌شوند.»

آن‌چه در چند سطر آینده می‌آید تعریف فرمول‌واره‌ها و زبان فرمول‌واره‌ای است به نقل از فرهنگ اصطلاحات زبان‌شناسی لانگ‌من، نوشته‌ی ریچاردز^۲ و اش‌میت^۳ (۲۰۰۲) [۱۹۸۵]: «فرمول‌واره‌ها توالی‌ای از واژه‌هایی‌اند که ذخیره شده‌اند و در هنگام استفاده به‌جای این‌که با استفاده از تمامی امکانات زبان و در چارچوب قواعد دستوری تولید شوند، به‌عنوان یک واحد کلی از حافظه بازیابی می‌گردند. توالی‌های فرمول‌واره‌ای ممکن است به لحاظ معنایی شفاف و به لحاظ دستوری منظم باشند و یا این‌که در صورت و معنا نامنظم باشند مانند اصطلاحات. توالی‌های فرمول‌واره‌ای ممکن است در ابتدا به عنوان یک واحد فراگرفته شوند، بدون درک ساختار درونی، و سپس به گونه‌ای تحلیل شوند که عناصر درونی بتوانند به‌طور زایا به کار گرفته شوند. توالی‌های فرمول‌واره‌ای ممکن است از واحدهای کوچک‌تر ساخته شوند اما به عنوان یک واحد کلی برای استفاده‌های آتی ذخیره شوند که به این فرآیند آمیزش^۴ می‌گویند. برخی از انواع فرمول‌واره‌دارای جایگاه‌های خالی هستند که توسط عناصر مشخصی از یک مقوله‌ی نحوی به‌خصوص پُر می‌شوند. اعتقاد بر این است که زبان فرمول‌واره‌ای چندین کاربرد دارد از جمله صرفه‌جویی در صرف انرژی در پردازش، افزایش سلاست و اصطلاح‌گونی^۵ و نیز درک و شناسایی بافت‌های تعاملی مشخص.»

^۱ formulaic sequence

^۲ J. C. Richards

^۳ R. Schmidt

^۴ fusion

^۵ idiomaticity

به لحاظ تغییرات تاریخی نیز باید گفت که توالی‌های فرمول‌واره‌ای در برابر تغییرات زبانی بسیار مقاوم هستند. ری (کورینگان و همکاران ۲۰۰۹: XVIII) بر این باور است که شأن فرمول‌واره‌ای زنجیره‌ای از واژه‌ها می‌تواند آن زنجیره را در برابر تغییرات تاریخی حمایت کند. وی می‌گوید فرمول‌واره ممکن است معنای خود را با گذشت زمان ابقاء کند، حتی هنگامی که قواعد دستوری زبان تغییر می‌کند به طوری که زنجیره‌ای که زمانی توسط قواعد دستوری قابل تجزیه بوده، به صورت تیره درآید.

۱-۴- ضرورت انجام پژوهش حاضر

زبان‌شناسانی که در حوزه‌ی فرمول‌واره‌ها پژوهش می‌کنند، از جمله پاولی^۱ و سایدر^۲ (۱۹۸۳) بر این باورند که فرمول‌واره‌ها سنگ بنای گفتار سلیس و گویشور بومی‌گونه می‌باشد. استفاده از فرمول‌واره‌ها را می‌توان یکی از بارزترین خصیصه‌هایی دانست که گویشور بومی را از گویشور غیر بومی متمایز می‌کند. استفاده‌ی فراوان از این توالی‌ها در زمره‌ی مشخصه‌های بارز بومیان یک زبان است. بنابر تحقیقات انجام گرفته، یک گویشور بالغ تعداد زیادی فرمول‌واره در ذهن خود دارد که وی را قادر می‌سازد در موقعیت‌ها و بافت‌های گوناگون مفهوم خود را توسط آنها بیان کند. این توالی‌ها هم به لحاظ دستوری صحیح می‌باشند و هم به لحاظ اصطلاحی کاملاً طبیعی می‌باشند.

^۱ A. Pawley

^۲ F. H. Syder

اما آن چه که توسط گویشور غیر بومی تولید می شود حتی اگر به لحاظ دستوری درست باشد اما به لحاظ اصطلاحی گویشور بومی گونه نیستند. فراگیری این توالی ها می تواند گام مؤثری در کسب یک تسلط گویشور گونه برای زبان آموزان خارجی باشد.

وجود فرمول‌واره‌ها یکی از بارزترین مصادیق رعایت اصل اقتصاد در زبان‌ها است. زبانی فرضی را در نظر بگیرید که فاقد فرمول‌واره است، یعنی هیچ گونه ساخت از پیش ساخته شده که با معنا و بافت خاصی مرتبط است در آن زبان وجود ندارد. در چنین زبانی تمام جملات قاعدتاً برحسب نیاز و بافت معینی به طور بدیع^۱ و خلق الساعه^۲ تولید می شوند زبان فاقد فرمول‌واره برای هر موقعیت و مفهوم می بایست جمله‌ای بدیع تولید کند که اغلب بسیار طولانی تر از همتای فرمول‌واره‌ای خود است. جمله‌ی غیر فرمول‌واره‌ای همچنین نیازمند تلاش بسیار جهت پردازش و تولید می باشد که هم گوینده و هم شنونده را با مشکلات فراوان مواجه می کند، اما در زبان‌های طبیعی به یمن وجود فرمول‌واره‌ها امر پردازش و تولید به سهولت انجام می گیرد.

هر فرمول‌واره تلفیقی است از یک ساخت، یک معنا و بافت؛ به همین دلیل زبان‌شناسان معتقدند که فرمول‌واره‌ها ساخت‌هایی نهادینه شده^۲ اند. منظور از نهادینه شدن این است که یک توالی ثابت از واژه‌ها برای بیان یک مفهوم اجتماعی- فرهنگی تخصیص یافته‌اند، به طوری که هر کدام تداعی کننده‌ی دیگری هستند. به عبارت دیگر، هم فرمول‌واره آن بافت و معنای به خصوص را تداعی می کند و هم آن بافت و معنای به خصوص فرمول‌واره‌ی مربوط به خود را به ذهن گویشور متبادر می سازد. به عنوان مثال فرمول‌واره‌ی «غم آخرتون باشه» یک مجلس ترحیم را تداعی می کند و همچنین حضور در یک مجلس ترحیم فرمول‌واره‌ی فوق را به ذهن گویشور فارسی زبان متبادر می سازد.

¹ nonce form

² institutionalized

از دیگر مشکلات زبان فرضی فرمول‌واره وقوع سوء تفاهم در درک گفته‌ها و نوشته‌های دیگران است. زیرا توالی‌ای از واژه‌ها که نهادینه نشده باشد، یعنی بر سر معنا و کارکرد آن توالی اجماع صورت نگرفته باشد و با بافت و معنای اجتماعی- فرهنگی خاصی عجین نشده باشد، اگر به معنا و منظور خاصی تولید شود احتمال بسیار دارد که به منظور دیگری دریافت شود. به همین دلیل زبان‌شناسان از جمله (پاولی و سایدر ۱۹۸۳) معتقدند فرمول‌واره‌ها به لحاظ جایگاهشان در انباره‌ی زبانی گویشوران کاملاً همانند واژه‌ها و تکواژها می‌باشند. یعنی همان‌گونه که همه‌ی گویشوران یک جامعه‌ی زبانی به اتفاق یک واژه‌ی خاص را برای اشاره به یک شیء/ مفهوم/ پدیده‌ی خاصی به کار می‌برند (فرضاً واژه‌ی کتاب برای ارجاع به شیء کتاب)، فرمول‌واره‌ها نیز مورد اتفاق نظر تمام اعضای یک جامعه زبانی می‌باشند.

زبان‌شناسان بر این باورند که تسلط کامل و روان بر یک زبان تا حدود زیادی مشروط به دانستن تعداد زیادی فرمول‌واره می‌باشد که زبان بشر برای بیان مفاهیم مختلف در بافت‌های گوناگون در خود تنیده است. بنابراین بررسی فرمول‌واره‌ها به همراه تطبیق آن‌ها با بافت مورد نظر هر فرمول‌واره می‌تواند زبان‌شناسان را به درک صحیح‌تر و عمیق‌تری از دانش زبانی گویشوران نزدیک سازد (همان).

مطالعه‌ی فرمول‌واره‌ها به دو دلیل در پژوهش‌های زبان‌شناختی امروز مورد غفلت واقع شده‌اند: اولاً بسیاری از زبان‌شناسان در چند دهه‌ی اخیر بیشتر به جنبه‌های زبانی پرداخته‌اند. البته آن‌ها به این موضوع نیز قائلند که تولید جملات نیز مانند تمامی جنبه‌های زبانی مشروط به محدودیت‌هایی است؛ بعضی چیزها مجاز هستند و بعضی دیگر مجاز نیستند. اما این محدودیت‌ها در بالاترین و عمومی‌ترین سطح مورد پژوهش قرار گرفتند. به نظر می‌رسد توجه کم‌تری از یک سو به عبارتی که بر میزان این محدودیت‌ها می‌افزایند، از قبیل خصیصه‌های فردی و از سوی دیگر به عباراتی که از آزادی عمل مجاز از سوی زبان استفاده‌ی بسیار کمی می‌کنند، مانند فرمول‌واره‌ها،

شده است. فرمول‌واره‌ها نقطه‌ی مقابل جنبه‌ی زایای زبان هستند: آن‌ها از یک سری انتخاب‌های بسیار محدود در میان تمامی جایگزین‌هایی که قواعد گفتمان، نحو، صرف و واژگان مجاز می‌شمارند استفاده می‌کنند. فرمول‌واره‌ها برخلاف جنبه‌های زایای رفتار زبانی، افشاء کننده، جنبه‌های تقلیدی این رفتار می‌باشند.

دومین دلیلی که فرمول‌واره‌ها به‌طور گسترده مورد بررسی قرار نگرفته‌اند این است که ویژگی‌های ساختاری و واژگانی آن‌ها مانع توصیف و طبقه‌بندی‌های دوگانه و مطلق می‌شود و فرمول‌واره‌ها را تنها می‌توان به‌طور نسبی و مدرج و پیوستاری طبقه‌بندی کرد (کورپگان و همکاران، ۲۰۰۹: XV)

۱-۵- هدف و انگیزه‌ی پژوهش

هدف از انجام این پژوهش ارائه‌ی توصیف، طبقه‌بندی و تحلیلی از فرمول‌واره‌های زبان فارسی است، کاری که اگرچه در برخی آثار پیشین اشاره‌ای به آن شده (ر.ک. فصل ۲) اما هرگز در قالب پژوهشی جدا به آن پرداخته نشده است. از دیگر اهداف این پژوهش تعیین حوزه‌ی کاربردی این فرمول‌واره‌ها می‌باشد؛ گفتار رسمی یا غیر رسمی، زبان گفتار یا نوشتار و یا تلفیقی از موارد بالا. از آنجایی که بسیاری از این فرمول‌واره‌های زایا معنایی غیر انباشتی دارند، که از معنای مجموع واژه‌های آن‌ها به‌دست نمی‌آید بلکه کاملاً قراردادی است، لذا تحلیل و توصیف معنایی آن‌ها می‌تواند در زمینه‌ی آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان نیز بسیار سودمند باشد.

۱-۶- پرسش‌های پژوهش

پژوهش حاضر در راستای یافتن پاسخ برای پرسش‌های زیر انجام می‌شود: